



## اوپک؛ ماندن یا خروج

f.hassantash@gmail.com



عقد قراردادهای متعدد ببع متقابل به منظور افزایش ظرفیت تولید نفت خام کشور شده است؟"

باید توجه داشت که مدیران وقت وزارت نفت با استناد مستمر به پیش بینی های مراجع مربوط به کشورهای مصرف کننده نفت مانند "آژانس بین المللی انرژی" برآوردهای بسیار بالایی از تقاضای آتی جهانی برای نفت خام اوپک ارائه می نمودند و استدلال می کردند که ایران نیز برای حفظ سهم خود در اوپک باید به صورت شتابان و از طریق انعقاد قراردادهای متعدد با شرکت های خارجی ظرفیت های تولید نفت خود را افزایش دهد. آنها بر این مبنا مراجع سیاست گذاری و تصمیم گیری کشور را متقاعد نموده بودند و در شرایط زمانی فوق الذکر تصور گروهی از این مدیران این بود که با به ثمر نشستن قراردادهای ببع متقابل ظرفیت تولید ایران به رقمی بالاتر از حداقل پنج میلیون بشکه در روز خواهد رسید. بعدها ثابت شد که بر خلاف آن تصورات پروژه های مذکور حتی جبران افت تولید سالانه نفت کشور را نمی کند و متأسفانه در حال حاضر نیز قریب چهار میلیون بشکه نفت کشور به دشورای و در شرایط غیرصیانتی تولید می شود. در هر حال در زمان مورد بحث، با توجه به نگرانی مدیریت نفت از مواجهه با سؤال فوق الذکر همایش مورد اشاره بر پا شد تا طی آن دعاوی زیر تقویت شود:

- ۱- در چارچوب اوپک و یا غیر آن نباید تنها به فکر قیمت نفت و در تلاش بالابردن و یا تثبیت آن بود، بلکه مساله میزان تولید و سهم بازار هم مهم است. (به همین منظور نظریه سهم بازار یمانی که در دهه هشتاد به خاک سپرده شده بود دوباره عنوان شد).
- ۲- اگر هم ظرفیت تولید نفت (در نتیجه سرمایه گذاری های ببع متقابل) ایجاد شد اما تقاضا برای آن نبود و به صورت ظرفیت مازاد باقی ماند، نباید چندان غمگین شد چراکه ظرفیت مازاد هم ضروری و مهم است و اصولاً وجود ظرفیت مازاد حتی با امنیت ملی هم ارتباط دارد. البته باید گفت که استدلالی منطقی در این رابطه ارائه نشد.

حدود دو سال پیش در شرایطی کاملاً متفاوت با شرایط فعلی بازار جهانی نفت همایشی توسط موسسه مطالعاتی وابسته به وزارت نفت برگزار شد که در جریان آن نظریه سهم بازار و ایده خروج از سازمان اوپک مورد استقبال کارفرما و برگزارکنندگان همایش قرار گرفت. قبلاً در مقاله ای تحت عنوان "ما و قیمت های جهانی نفت" که به عنوان سرمقاله در شماره ۶۰ ماهنامه اقتصاد انرژی به چاپ رسید به طور مبسوط ایرادهای وارد بر نظریه سهم بازار ارائه شد. اما از آنجا که علی رغم گذشت زمان و متحول شدن شرایط به نظر می رسید که ایده خروج از اوپک نیز در اذهان برخی از صاحب منصبان تاثیرگذار جاذبیت هایی یافته است مفید به نظر رسید که در این زمینه نیز مطالبی ارائه گردد.

ابتدا لازم است که از نظر اقتصاد سیاسی نفت به خاستگاه استقبال از ایده خروج از اوپک اشاره شود. قبلاً در جایی توضیح داده ام که در دوران مدیریت هشت سال گذشته وزارت نفت اغلب موضع گیری های اعلام شده آن دستگاه بر مبنای مصرف داخلی بوده است به طوری که حتی در صحنه های بین المللی مواضع، به جای اینکه در جهت تحقق منافع ملی باشد، تحت تاثیر جریانهای داخلی و به گونه ای بوده است که با جهت گیری ها و روند غالب تفکر داخلی تعارض پیدا ننموده و مورد سوال مراجع تصمیم گیر و قانون گذار داخلی قرار نگیرد. به نظر می رسد که موضوع خروج از اوپک نیز از مصادیق همین گونه ملاحظاتی بوده است.

همان گونه که اشاره شد در آن زمان برخلاف شرایط جاری بازار نفت، سازمان اوپک مدت ها بود که با کاهش تقاضا برای نفت خام خود رو به رو بود و لذا در جلسات مختلف این سازمان و به منظور حفظ و جلوگیری از سقوط قیمت های جهانی نفت، نسبت به کاهش سقف تولید اوپک و به تبع آن نسبت به کاهش سهمیه تولید اعضا اتخاذ تصمیم می شد. با تداوم روند مذکور این نگرانی وجود داشت که از سوی نمایندگان مجلس و سایر مراجع ذیربط کشور این پرسش احتمالی مطرح شود: "در حالی که شرایط بازار نشان دهنده فقدان رشد تقاضای جهانی برای نفت خام است و اوپک مدام کاهش تولید می دهد چرا و با چه استدلالی اقدام به

حاصل از عضویت در اوپک به شرح زیر فهرست می شود:

### الف- فرصت ها

۱- برای کشوری که جزو چند کشور اول صاحب ذخائر نفتی و گازی جهان و همچنین جزو چند کشور اول تولیدکننده و صادرکننده نفت می باشد، داشتن یک کانال ارتباطی برای کسب اطلاع از مسائل و تحولات بازار نفت و مواضع رقبا می تواند از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد و در صورت خروج از اوپک قطعاً با یک خلأ ارتباطی و اطلاعاتی مواجه خواهیم شد بویژه اینکه شواهد و تجارب نشان می دهد که چه نهادهای دیپلماتیک و چه نهادهای مطالعاتی توان پر کردن چنین خلأی را نداشته و ندارند. و جالب تر اینکه چنین نهادهایی در همان سطح محدودی هم که شکل گرفته و توسعه یافته اند به تبع عضویت ما در اوپک و برای تجهیز ما در مواجهه و تعامل با این سازمان بوده است و لذا در صورت خروج از اوپک ما یک فرصت مهم در این عرصه را از دست خواهیم داد و به سرعت در انزوای شدیدی قرار خواهیم گرفت.

۲- حضور در سازمان اوپک به معنای حضور در بازی نفت و دیپلماسی آن است. این حضور کانال مهمی است که امکانی هرچند محدود را برای تأثیرگذاری کشور ما بر نفت و فعال بودن ما در عرصه بازار جهانی آن فراهم می کند. بدون این حضور، ما به یک عنصر منفعل و تنها و تأثیرپذیر، در بازار نفت تبدیل خواهیم شد. باید توجه داشت که ما نه آنچنان تولید کننده بزرگی هستیم که بتوانیم به صورت مستقل و منفرد بر بازار تأثیر بگذاریم و نه آن قدر کوچک هستیم که حضور یا عدم حضور در یک سازمان بین المللی ذیربط برایمان بی تفاوت باشد. ضمناً در حال حاضر از جهات مورد بحث جایگزینی هم برای عضویت در اوپک نداریم.

۳- در چهارچوب روابط بین الملل، عضویت در سازمان ها و اتحادیه های مهم، مطرح و تأثیرگذار بین المللی به عنوان یک اعتبار و یک خط اعتباری در صحنه دیپلماسی و تعاملات بین المللی به حساب می آید که اصطلاحاً کارت های بیشتری را برای بازی کردن در این صحنه در اختیار می گذارد و چنین فرصتی به سادگی قابل صرف نظر کردن نیست. علاوه بر این در مورد بسیاری از کشورها اصولاً یکی از جنبه های مهم روابط دوجانبه ما با ایشان وجه اشتراک در عضویت در سازمان اوپک است.

۴- صرف نظر از سازمان اوپک و کارایی ها و ناکارایی های اجلاس های آن، دبیرخانه این سازمان که در شهر وین در کشور اتریش مستقر است در واقع یک مرکز مطالعات انرژی با یک سابقه چهل و چندساله است. از طریق عضویت در سازمان اوپک می توان پست ها و مناصبی را در این مرکز در اختیار گرفت و در کنار برخورداری از اطلاعات انباشته و مطالعات آن حتی بر روند بررسی ها و مطالعاتی که در این سازمان انجام می شود در جهت پاسخ گویی به سؤالات و ابهامات کشور و در جهت منافع ملی خود تأثیر گذاشت.

۵- در بازار نفت تأثیر مسائل روانی بسیار زیاد است و از طریق سازمان اوپک می توان بر انتظارات روانی بازار تأثیر گذاشت.

### محدودیت ها و هزینه ها

۱- برای تداوم عضویت در سازمان اوپک باید حق عضویتی به صورت سالانه پرداخت شود. هزینه های سازمان اوپک و دبیرخانه آن از محل حق عضویتی که اعضا پرداخت می کنند تأمین می شود. میزان این حق عضویت برای همه اعضای بزرگ و کوچک اوپک یکسان است و گرچه ممکن است رقم آن برای اعضای که تولید

۳- به علت محدودیت هایی که اوپک برای تولید کشور ایجاد نموده و سهمیه بندی می کند شاید مساله خروج از اوپک هم قابل تامل و قابل بررسی باشد.

از قضا مقارن همان ایام مقاله ای در زمینه ایده خروج از اوپک توسط یکی از اساتید ارجمند کشور ارائه شده که البته آن بزرگوار از مدت ها قبل با انگیزه ای صرفاً علمی و به منظور به چالش کشیدن و تجدیدنظر در آنچه که بدیهی فرض می شود، بر روی این موضوع کار کرده بود که برگزارکنندگان آن همایش کوشیدند بر آن اتکا کنند. در هر حال با ذکر تاریخچه مذکور در ادامه این نوشتار بر آنم که محتوای آن ایده را در معرض نقد و بررسی قرار دهم.

### نقد ایده خروج از اوپک

نکات محوری آن ایده را می توان به شرح زیر خلاصه نمود و در عین حال آن را در مسیر نقد بیشتر توضیح داد:

۱- طراحی های کشورهای مسلط صنعتی و مصرف کننده انرژی در غرب به گونه ای بوده است که عملاً نقش لنگر تنظیم کننده بازار نفت که بالاخره باید توسط کشور یا سازمانی ایفا شود را به اوپک واگذاشته اند.

البته صاحب این قلم نیز با این نظر مخالفی ندارد و در مقاله "بازشناسی اوپک و راهکارهای موفقیت در آن" که در شماره هفتم فصلنامه فرهنگ و اندیشه به این قلم انتشار یافته است این مساله شرح و بسط یافته و لکن توضیح داده شده که این به معنای بهبود بودن و غیر موثر بودن سازمان اوپک نیست.

۲- به نظر می رسد ایده مذکور نیز نه تنها با اصل وجود و بقاء اوپک مخالفی ندارد بلکه حتی آن را ضروری می داند و خروج ایران از سازمان اوپک را تنها با این انگیزه توصیه می کند که از این طریق ایران بتواند مانند غیر اوپکی ها هم از حفظ و بالا نگه داشتن قیمت های جهانی نفت بهره ببرد و هم مشمول محدودیت های اوپک و سهمیه بندی های آن نباشد و به اصطلاح مفت سواری (free riding) نموده و با دست باز عمل کند.

در نقد این ایده می توان گفت که به نظر می رسد ایده مذکور به رهیافت دقیق تر و علمی تری در تحلیل چنین مساله ای نیازمند است و گرنه دیدگاهی غیرتاریخی و مقطعی به موضوع داشته و بر مبنای شناخت دقیق و نزدیک از سازمان اوپک و جایگاه واقعی آن نیز استوار نیست.

قبل از هر چیز باید تراز هزینه-فایده تداوم عضویت یا خروج از یک سازمان را استخراج نمود. اگر هزینه های حضور بسیار سنگین تر از فایده های آن باشد شاید بتوان خروج را توصیه نمود. اما حتی در این موقعیت نیز باید توجه داشت که مساله خروج از هر سازمانی با مساله تصمیم گیری در زمینه ورود یا عدم ورود ابتدایی بسیار متفاوت است. در زمانی که ما هنوز عضو سازمانی بین المللی نشده ایم ممکن است تفوق هزینه ها نسبت به فایده های عضویت در آن، ما را به این تصمیم برساند که بهتر است وارد نشویم. اما در جایی که چهل سال از عضویت ما در یک سازمان می گذرد مساله پیچیده تر می شود و ممکن است خروج هم به نوبه خود مستلزم هزینه هایی باشد که باید در تراز ما لحاظ شود.

در اینجا بر مبنای فهرستی که متعاقباً خواهد آمد ادعا می شود که در شرایط موجود فواید حضور ما در اوپک آن قدر قابل توجه است که در مقابل آن، هزینه ها و یا محدودیت های ناشی از حضور چیزی نزدیک به صفر است ضمن این که خروج ما از سازمان اوپک هم اقدامی بی هزینه نخواهد بود. فرصت ها و محدودیت های

تولید و توان تولید نفت، با تداوم عضویت در اوپک می توان هم بر سطوح قیمت های نفت تأثیر گذاشت و از بالا بودن آن بهره برد و هم محدودیت جدی قابل توجهی برای تولید وجود نخواهد داشت. علاوه بر این نمی توان به عضویت در اوپک به صورت مقطعی و فقط برای زمان های محدودی که ممکن است چنین چالشی وجود داشته باشد نگریست.

در پایان به این نکته نیز باید توجه داشت که همان طور که قبلاً نیز اشاره شد مطرح کنندگان ایده خروج از اوپک با اصل وجود اوپک مشکل و مخالفتی ندارند و برعکس خواهان اوپکی مقتدر هستند، اما در واقع یک مفروض غیرصریح در این ایده وجود دارد که: "با وجود خروج ایران از اوپک، این سازمان حفظ خواهد شد و قادر خواهد بود که با همان قوت سابق به تنظیم بازار ادامه دهد تا ما هم از تنظیم بازار توسط اوپک بهره ببریم و هم گرفتار محدودیت های آن نباشیم". اما آنچه از آن غفلت می شود آن است که مساله خروج ایران به عنوان عضو موسس اوپک و دومین تولیدکننده نفت این سازمان اصولاً ممکن است حتی به فروپاشی سازمان منجر شود و اگر هم چنین نشود این سازمان بعد از خروج ایران قطعاً آن اوپک سابق نخواهد بود.

در عین حال باید بدون تعصب گفت که اینک بیش از چهل سال از تشکیل سازمان اوپک و عضویت ایران در این سازمان می گذرد و بدیهی است که در طول این مدت همه چیز تغییر کرده است. نمی توان و نباید مسائل مهمی چون عضویت در اوپک را بر اساس عادت ادامه داد. بنابراین به چالش کشیدن مستمر چنین مسائلی بر مبنای رهیافت علمی و بدون پیش داوری، کاری است ستودنی. اما توفیق چنین چالش ها و بررسی هایی منوط به آن است که یک سویه نبوده و ابزار خاستگاه های سیاسی مقطعی قرار نگیرد.

مدیر مسوول

نفت محدود و صادرات نفت ناچیزی دارند قابل توجه باشد اما برای کشوری با شرایط ما هزینه قابل توجهی نیست. حتی اگر ما بتوانیم از امکانات دبیرخانه سازمان نیز به خوبی بهره گیری کنیم (که متأسفانه نمی کنیم) این هزینه جبران خواهد شد و تاکنون نیز هیچ کس مساله خروج از اوپک را از این نظر مطرح ننموده است.

۲- محدودیت دیگری که مساله خروج از سازمان اوپک عمدتاً به منظور گریز از آن مطرح شده است، نظام سهمیه بندی اوپک و محدودیت هایی است که تصمیمات سازمان اوپک برای میزان تولید اعضای آن فراهم می کند. البته در این مورد نیز به نظر می رسد که ارائه دهندگان ایده خروج از اوپک با این مساله آشنایی ندارند که تمکین از نظام سهمیه بندی اوپک عمدتاً داوطلبانه و به منظور حفظ منافع ملی کشورها و جلوگیری از سقوط قیمت جهانی نفت (به عنوان یک منبع فنایپذیر) است و گرنه در سازمان اوپک نظارتی پلیسی و یا ضامنی اجرایی برای کنترل تولید اعضای سازمان وجود ندارد. تنها هزینه عدم رعایت سهمیه ها آن است که اعضای که سهمیه های تولید خود را رعایت نمی کنند حداکثر ممکن است مورد سرزنش سازمان و سایر اعضا قرار گیرند. چنین سرزنشی نیز معمولاً بسیار رقیق است چراکه ارقام دقیق متوسط تولید اعضا با تأخیر زمانی و معمولاً بدون قطعیت کامل، آشکار می گردد که باتوجه به شرایط متحول بازار چندان بردی ندارد.

به نظر می رسد که مطرح کنندگان ایده خروج از اوپک بر پیش بینی و برآوردی اتکا می کنند که تحقق آن ناممکن به نظر می رسد و آن عبارت است از امکان رسیدن تولید نفت کشور به ارقامی در حدود ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز که بدون توجه به امکان پذیری فنی تحقق آن مطرح می شد و امکان دستیابی به آن کاملاً تردیدآمیز است. بر مبنای آن برآورد تصور می شد که ایران با رسیدن به چنان ارقامی از تولید، با نظام سهمیه بندی اوپک دچار چالشی بسیار جدی خواهد شد. اینک نقاط ضعف چنین برآوردهایی آشکار شده و تجربه نشان می دهد که در سطوح واقعی

